

قتل ۲ مرد افغان

در ۲ درگیری جداگانه



دو مرد افغان در دو درگیری جداگانه با دو هم‌ولایتی خود به کام مرگ رفتند. یکی از متهمان که رقیب عشقی‌اش را به قتل رسانده بود فرار کرد، اما قاتل دوم در محل حادثه به دام افتاد.

به گزارش جوان، ساعت ۱۹ عصر روز شنبه ۱۰ مهرماه، قاضی موسی رضازاده، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری پاسداران از قتل مرد افغانی در ساختمانی نیمه‌کاره باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه با جسد مرد ۲۳ ساله‌ای روبه‌رو شد که به طرز مرموزی به قتل رسیده بود. بررسی‌ها نشان داد دقایقی قبل مقتول با یکی از هم‌ولایتی‌هایش در ساختمان نیمه‌کاره درگیر شده و به قتل رسیده است. قاتل که در محل حادثه بازداشت شده بود به نام مأموران گفت: «من و مقتول با هم همکار بودیم و اختلافمان به خاطر قسمت کاریمان بود. من به او گفته بودم این طبقه متعلق به من است و کارهای این طبقه را من انجام می‌دهم، اما او قبول نمی‌کرد تا اینکه امروز با هم درگیر شدیم و من مشتتی به سرش زدم و او هم حالش بد شد و روی زمین افتاد. می‌خواستم او را بترسانم و قصد قتل نداشتم، از طرفی هم خیر نداشتم مقتول مشکل سرع دارد و با مشت من به کام مرگ می‌رود.»

متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.

دوئل عشقی مرگبار

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، ساعت ۲۲ شامگاه شنبه مأموران پلیس تهران قتل افغان دیگری را حوالی خیابان نیروی هوایی به بازپرس جنایی خبر دادند. با اعلام این خبر، تیم جنایی راهی محل و در اتاقی خانه قدیمی با جسد مرد جوانی به نام بصیر روبه‌رو شد که با اصابت ۱۴ ضربه چاقو به قتل رسیده بود.

برادر مقتول به مأموران گفت: «من و برادرم از افغانستان به ایران آمدیم و کارگری می‌کردیم. یکی از برادرانم در ترکیه کار می‌کند و یک روز قبل بصیر به صورت تصویری با او صحبت کرده بود و یکی از دوستانش به نام بصیر به برادرم نشان داده بود که آن شب میهمان او بود. بصیر قرار بود دوباره با برادرم در ترکیه صحبت کند، اما وقتی امروز تلفنش خاموش شده بود برادرانم از ترکیه به من تماس گرفت و خواست که به خانه‌اش بروم و از او خبر بگیرم. من هم به خانه‌اش آمدم و با این صحنه هولناک روبه‌رو شدم.»

وی در ادامه گفت: «منصور و برادرم با هم رقیب عشقی و چند باری هم درگیر شده بودند تا اینکه منصور با آن دختر ازدواج کرد و درگیری‌شان پایان یافت. الان احتمال می‌دهم منصور، برادرم را به قتل رسانده است.»

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران در تلاشند تا قاتل فراری را بازداشت کنند.

کلاهبرداری ۲ میلیاردی با وعده ویزای کانادا



زن میانسال یس از آشنایی، مجازی با مهندس قلابی ۲ میلیارد تومان دارایی‌اش را برای گرفتن اقامت کانادا در اختیار او گذاشت، اما فقط یک بلیت قلابی به دستش رسید.

سردار علی ولپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت گفت: چندی قبل پرونده زن میانسالی روی میز کارآگاهان اداره ۱۳ پلیس آگاهی قرار گرفت که او در توضیح شکایات خود گفت، چندی قبل در یکی از شبکه‌های اجتماعی با مردی آشنا شدم که خودش را مهندس کشتی معرفی کرد. مدتی که گذشت ارتباط ما ادامه داشت و من جزئیات بیشتری از زندگی‌ام را برایش شرح دادم و به او گفت زنی تنها هستم که بسرم در

کانادا زندگی می‌کند و من و دخترم هم قصد داریم برای زندگی به آنجا برویم، اما برای گرفتن ویزا با مشکل مواجه هستیم. بعد از آن بود که او گفت ساکن کاناداست و با روابطی که دارد، می‌تواند برایم ویزا بگیرد. من به حرفش اعتماد کردم تا جایی که به من پیشنهاد ازدواج داد. ما با هم در ارتباط بودیم و من خوشحال بودم که او می‌تواند مشکلات ما را برطرف کند. مدتی که گذشت می‌خواهد به ایران سفرش همراه من و دخترم به کانادا برویم. او از من خواست همه دارایی‌ام را به دلار و یورو تبدیل کنم که من هم اعتماد کردم و ۲ میلیارد تومان دلار و یورو فراهم کردم تا اینکه یک روز خبر داد به تهران رسیده است و در یکی از خیابان‌ها با دلاها قرار گذاشتم. وقتی سرفر حاضر شدیم او از من خواست دلاها را به او بدهم که قبول کردم. او دو بلیت به من داد و برای انجام کاری از آنجا رفت. بعد از آن هرچه با تلفن همراهش تماس گرفتم دیگر جواب داد. بعد هم متوجه شدم بلیت‌ها قلابی است و فهمیدم او کلاهبردار بوده و به این شیوه دلاها را به سرقت کرده است. با اطلاعاتی که شاکای در اختیار پلیس گذاشت کارآگاهان در این باره با تحقیق کردن و موفق شدند متهم را شناسایی کنند. او در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد. تحقیقات بیشتر از متهم در جریان است.

حسین فصیحی

شش که فراموش کردیم مأموران پلیس راهور محل خدمت خود در خیابان‌های شهر را تا صبح روز بعد ترک می‌کنند. بنابراین در نبود پلیس امکان بروز تخلف‌راندگی بیش از هر زمان دیگری فراهم می‌شود، خصوصاً که با نزدیک شدن به ساعت‌های پایانی شب، معابر برای بروز تخلف‌ها تلوت‌ترم می‌شود.

بی‌انضباطی ترافیکی یکی از شاخص‌های مهم زندگی اجتماعی است که تلاش‌های بسیاری برای این امر انجام شده است. با این حال آسیب‌هایی که از اجرای این معضلات به جامعه سرایت می‌کند از تلاش‌های به کار گرفته شده پیشی گرفته است. در ساعاتی شب و هم‌زمان با کور شدن گره‌های ترافیکی، تخلف‌های رانندگی خصوصاً از سوی موتورسواران شدت بیشتری می‌گیرد، از همین رو در نبود یا کم شدن حضور پلیس در معابر، خطوط ویژه در تسخیر موتورسواران قرار می‌گیرد. تلاش برای رسیدن به خانه، هدف بیشتر رانندگان در ترافیک است، از همین رو پیدا شدن معبری برای عبور در چنین گره‌های ترافیکی می‌تواند راننده را که پس از ساعت‌ها کار روزانه در ترافیک اسیر شده و سوسه‌سوسه کند به جای رانندگی محتاطانه پایش را روی پدال گاز فشار دهد، اما اینکه بتواند به سلامت از معبری که پیدا کرده عبور کند به رفتار دیگر کاربران ترافیک گره خورده است. با یک نگاه ساده به آنچه در معرض نگاه همگان قرار دارد، می‌توان به صرافت دریافت بین آموزه‌هایی که رانندگان با سبزی کردن آن در آموزشگاه‌های رانندگی فراگرفته‌اند و آنچه در عمل به نمایش می‌گذارند، تفاوت ماهوی بسیاری وجود دارد. در وضعیت موجود، نه رانندگان به همه آموزه‌ها فراگرفته توجه دارند و نه پلیس به همه وظایف خود در برخورد با متخلفان عمل می‌کند. اینکه رانندگان به خود اجازه می‌دهند در حضور پلیس و در معرض نگاه همگان به راحتی متربک تخلف شوند در واقع وجهت‌القول راننده در معرض خنده‌خند می‌کند تا جایی که افراد در معرض خطر هم با تاسی گرفتن از چنین رفتارهایی وارد چرخه تخلف می‌شوند و برای خود و دیگران ایجاد خطر می‌کنند.

۳۰۰ کشته در ۶ ماه

سرهنگ ابوالفضل موسوی، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ با بیان اینکه در مرداد ماه ابتدایی امسال حدود ۳۰۰ نفر در جریان سوانح رانندگی جان باختند، گفت: «۵۵ درصد قربانیان در سوانح رانندگی شبانه جان باختند که ۳۹ درصد آنها عابران پیاده و ۵۴ درصد هم موتورسواران بوده‌اند.»

۶۰ درصد سوانح مرگبار

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، ساعت ۲۲ شامگاه شنبه مأموران پلیس تهران قتل افغان دیگری را حوالی خیابان نیروی هوایی به بازپرس جنایی خبر دادند. با اعلام این خبر، تیم جنایی راهی محل و در اتاقی خانه قدیمی با جسد مرد جوانی به نام بصیر روبه‌رو شد که با اصابت ۱۴ ضربه چاقو به قتل رسیده بود. برادر مقتول به مأموران گفت: «من و برادرم از افغانستان به ایران آمدیم و کارگری می‌کردیم. یکی از برادرانم در ترکیه کار می‌کند و یک روز قبل بصیر به صورت تصویری با او صحبت کرده بود و یکی از دوستانش به نام بصیر به برادرم نشان داده بود که آن شب میهمان او بود. بصیر قرار بود دوباره با برادرم در ترکیه صحبت کند، اما وقتی امروز تلفنش خاموش شده بود برادرانم از ترکیه به من تماس گرفت و خواست که به خانه‌اش بروم و از او خبر بگیرم. من هم به خانه‌اش آمدم و با این صحنه هولناک روبه‌رو شدم.»

۳۰۰ کشته در سوانح رانندگی شش ماهه امسال پایتخت

پلیس کجا ایستاده است؟!



رانندگی تهران در شب رقم می‌خورد، افزود: «افزایش این آمار سبب شده پلیس طرح شبانه برخورد با تخلف‌های حادثه‌ساز را در بزرگراه‌های شهر اجرا کند. تخلف‌هایی همچون لای کشی و حرکات مخاطره آمیز، سبقت و سرعت‌های غیرمجاز، تردد خودروهایی سنگین در لاین سوم، استفاده از نورهای شدید و زنون و توقف در حاشیه بزرگراه از آن جمله است. رئیس پلیس راهور تهران معتقد است: «تردد عابران پیاده از بزرگراه‌ها هم

با آسیب‌های بسیاری درگیر می‌شوند. فقدان پل‌های مکانیزه در مناطق بزرگراهی سبب شده رانندگان اقبالی برای بالا رفتن از پل‌های عابر پیاده‌ای که از ارتفاع بالا برخوردارند، نداشتند. همچنین همه رانندگان به دلایلی از جمله ناتوانی یا کاهش توان حرکتی امکان استفاده از چنین پل‌هایی را ندارند. موضوع دیگر هم مربوط است به کمبود پل‌های عابر پیاده در بسیاری از نقاط بزرگراهی و بی‌توجهی ساختار

سوانح پایتخت به روایت آمار

۳۰۰ کشته در شش ماه
۵۵ درصد کشته‌ها در سوانح شبانه
۳۹ درصد کشته‌ها عابران پیاده
۵۴ درصد کشته‌ها موتورسواران



شهرسازی به پیوسته‌های انتظامی نسبت به دایر کردن بخشی از نقاط مسکونی یا تجاری در نقاط بزرگراهی، خصوصاً بزرگراه آزادگان که بخش مهمی از معضلات ترافیکی پایتخت مربوط به این گذرگاه مهم کشور است. توقف‌های حاشیه‌ای هم از جمله رویدادهایی است که منجر به بروز سوانح رانندگی می‌شود. بخشی از این توقف‌های حاشیه‌ای از سوی وانت‌بازهای دوره گرد می‌خورد و به معضلات ترافیکی زیادی منجر می‌شود. با وجود اینکه پلیس در طول شبانه‌روز از کنار این وانت‌ها عبور می‌کند، اما برخوردی با این دسته از تخلف‌های آشکار ندارد. در بدترین حالت مأموران پلیس از پشت بلندگو به راننده وانت هشدار می‌دهند که او هم با حرکت لاک‌بک یا چند متر جلوتر به فعالیتش ادامه می‌دهد، به نظر می‌رسد مسائل معیشتی منجر به این شده

است که پلیس در برخورد با چنین تخلف‌هایی با متخلفان ممانعت کند، اما تصمیم‌گیرندگان این موضوع باید در نظر داشته باشند که توجه به معیشت این دسته از افراد، جان افراد دیگری را به خطر می‌اندازد.

رانندگان پرخطر

رانندگان پرخطر نقش مهمی در ایجاد خطر برای دیگران دارند. بسیاری از آنها بعد از ایجاد خطر به راحتی از محل دور می‌شوند و جان دیگر کاربران ترافیک را به خطر می‌اندازند. بخش مهمی از طرح شبانه پلیس برای انضباط بخشی ترافیک شامل برخورد با همین رانندگان پرخطر است که رئیس پلیس راهور تهران تأکید دارد خودروهایی که به صورت هم‌زمان با ترکب دو تخلف شوند به مدت ۷۲ ساعت در پارکینگ متوقف می‌شوند. تردد کامیون‌ها در بزرگراه‌های شهر به ویژه بزرگراه آزادگان که شاهراه ارتباطی محسوب می‌شود، به بروز سوانح رانندگی بسیاری منجر می‌شود. رانندگان کامیون‌ها به دلیل مصنوبندی که در بروز سوانح دارند توجه زیادی به رعایت قانون ندارند، از همین رو رانندگی کردن آنها در لاین سوم معابر معضلات زائد ترافیکی را به دنبال دارد. کور کشند نقطه دید رانندگان خودروهایی سواری که پشت سر این خودروها در حال حرکت هستند و آلودگی‌های بسیاری که این کامیون‌ها ایجاد می‌کنند، امکان بروز سوانح را افزایش می‌دهد که رئیس پلیس راهور تهران تأکید دارد پلیس مبدأ حرکت و تردد کامیون‌ها در شهر تهران را شناسایی می‌کند و از مبدأ، تردهای آنان کنترل می‌شود و این کامیون‌ها به اجازه نخواهند داشت با لاستیک صاف، بار غیرمجاز و یا نداشتن حفاظ و سایر تخلفات در معابر تهران تردد کنند.

مرگ سارق در سقوط از نورگیر

ساختمان مسکونی

سارق جوان همراه همدستش تصمیم می‌گیرند برای سرقت از خانهای در طبقه دوم ساختمانی مسکونی از طریق نورگیر وارد خانه شوند، اما از نورگیر به پایین سقوط می‌کنند و جانانش را از دست می‌دهد. همدست او که از صحنه گریخته است تحت تعقیب مأموران پلیس قرار دارد.

ساعت ۱۶ عصر شنبه هشتم مهرماه، قاضی موسی رضازاده، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۲۸ تهران نواز مرگ مشکوک مرد جوانی در ساختمانی مسکونی باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

مرگ قبل از سرقت
تیم جنایی در کف نورگیر ساختمان مسکونی حوالی یکی از خیابان‌های شرقی تهران با جسد مرد جوانی روبه‌رو شد که حکایت از آن داشت بر اثر سقوط از ارتفاع به کام مرگ رفته است.

بررسی‌ها نشان داد ساعتی قبل صاحبخانه طبقه دوم ساختمان مسکونی وقتی به خانه‌اش می‌آید متوجه می‌شود پنجره نورگیر خانه‌اش باز و مردی در کف نورگیر افتاده و فوت کرده است.

وی به مأموران پلیس گفت: «خانم‌ها دوپلکس است و مدتی قبل مستاجرم خانه را خالی کرد و من هم به نگاه املاکی سپرده بودم تا آن را اجاره بدهد و هر چند روز یکبار به خانه سر می‌زد. ساعتی قبل وقتی وارد خانه شدم، دیدم پنجره نورگیر باز است. تعجب کردم، چون من پنجره را بسته بودم، به همین دلیل کنجاو شدم و از پنجره به پایین نگاه کردم و دیدم مردی در کف نورگیر افتاده است. به سرعت پایین رفتم و دیدم او فوت کرده است. احتمال می‌دهم او سارق است و هنگام سرقت از خانه‌اش از نورگیر به پایین سقوط کرده و جان باخته است.»

یکی از همسایه‌ها هم گفت: «بیمه‌های شب من و اعضای خانواده‌ام صدای مهبیی شنیدیم، اما توجهی نکردیم، چرا که فکر نمی‌کردیم فردی از نورگیر سقوط کرده باشد. ما احتمال دادیم صدای مهبیب از بیرون از ساختمان بوده باشد، اما الان فهمیدیم مردی از نورگیر ساختمان به پایین سقوط کرده و جان باخته است.»

مأموران پلیس در نزدیکی جسد، کوله‌پشتی پیدا کردند که داخل آن ابزار آلات سرقت مانند دلیلم، پیچ‌گوشتی و چند وسیله دیگر بود، به همین دلیل این فرضیه برای مأموران پلیس قوت گرفت که مرد فوت شده، سابق است و قبل سرقت از خانه طبقه دوم از نورگیر به پایین سقوط کرده و جانش را از دست داده است.

قرار همدست

تیم جنایی در ادامه برای روشن شدن زوایای پنهان حادثه، فیلم دوربین‌های مداربسته محل حادثه و اطراف آن را بازبینی کردند. یکی از دوربین‌ها نشان داد نیمه‌شب دو مرد وارد ساختمان می‌شوند و دقایقی بعد یکی از آنها به سرعت از ساختمان خارج می‌شود، اما نفر دوم از ساختمان بیرون نمی‌آید. مأموران دریافتند مرد فوت شده و همدستش شب قبل وقتی متوجه می‌شوند چند شبی است که آپارتمان طبقه دوم چراجاش خاموش است با این فرضیه که صاحبخانه به مسافرت رفته برای سرقت وارد ساختمان می‌شوند. دو سارق قصد دارند از طریق نورگیر وارد خانه طبقه دوم شوند که یکی از آنها به دلایلی به پایین سقوط می‌کند و به کام مرگ می‌رود و همدستش هم فرار می‌کند.

بدین ترتیب با به دست آمدن این اطلاعات، جسد مرد فوت شده برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن هویت او به دستور بازپرس جنایی به پزشکی قانونی فرستاده شد. مأموران در تلاشند همدست مرد فوت شده را بازداشت و راز مرگ مرگ سارق را برملا کنند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

اعتراف به قتل نگهبان کوهستان با همدستی همسر مقتول

که به بیمارستان منتقل می‌شود، قادر به صحبت کردن نبوده و تیم پزشکی هم در معاینات اولیه اعلام کرده‌اند مرد جوان بر اثر مسمومیت دارویی به کام مرگ رفته است. مأموران پلیس در شاخه دیگری از بررسی‌های فنی و میدانی دریافتند شپهن چند ماه قبل از مرگ شوهرش با پسر جوانی در ارتباط پنهانی داشته و پس از فوت شوهرش هم ارتباطش را چند ماهی به صورت مشکوک قطع کرده است و الان دوباره با هم ارتباط دارند.

ادعای عجیب

تحقیقات حکایت از آن داشت زن جوان به خاطر ارتباط پنهانی‌اش در مرگ شوهرش دست داشته است، به همین دلیل مأموران پلیس به دستور بازپرس جنایی او را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. شپهن در بازجویی‌ها با انکار جرمش در ادعای عجیب گفت: «من و پیمان با هم دوست بودیم و ۱۵ سال قبل ازدواج کردیم و الان هم یک پسر نوجوان داریم. او مشروب می‌خورد و وقتی هم مست می‌کرد، مرا کتک می‌زد. از رفتارهایش خسته شده بودم تا اینکه مدتی قبل به عنوان مسافر سووار یک خودرو شدم. پسر جوانی به نام پیمان راننده آن خودرو بود. با او درددل کردم و پس از آن با هم ارتباط دوستانه برقرار کردیم. مدتی گذشت و من ارتباطم را با پیمان قطع کردم تا اینکه خردادماه شوهرم مشروب خورد، حالش بد شد و به بیمارستان به کام مرگ رفت. من در مرگ او دخالتی نداشتم.»

اعتراف به قتل

مأموران پلیس در ادامه پیمان را شناسایی و بازداشت کردند. متهم پس از انتقال به اداره پلیس ابتدا جرم خود را انکار کرد، اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد به رابطه پنهانی‌اش با شپهن اعتراف کرد، ولی مدعی شد در قتل نگهبان کوهستان دخالتی نداشته است.

آر‌مین پینا

راننده خودرویی که متهم است پس از ارتباط پنهانی‌اش با زنی جوان، شوهرش را با همدستی او به قتل رسانده و بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد.

شهریورماه امسال زن و مردی در تهران از عروس جوانشان به اتهام قتل پسر ۳۷ ساله‌شان به نام پیمان شکایت کردند. زن میانسال گفت: «پسرم نگهبان کوهستان بود و شغل او بر موندانه‌ای داشت و همراه همسر و پسر نوجوانش زندگی می‌کرد. پسر و همسرش با هم اختلاف داشتند، اما فکر نمی‌کردیم این اختلاف باعث شود عروسم شوهرش را به قتل برساند. او آخر خردادماه عروسمان به ما خبر داد سعید حالش بد شده و به بیمارستان منتقل شده است. وقتی به بیمارستان رفتم، عروسمان مدعی شد پیمان مشروب خورده و حالش بد شده است، اما به ساعتی بعد هم پسرمان فوت کرد. پسر مشروب خوار نبود، اما به اظهارات عروسمان مشکوک نشدم تا اینکه چند روز قبل متوجه شدم عروسمان شپهن از چند ماه قبل با مرد جوانی ارتباط دارد و الان هم احتمال می‌دهیم او با نقشه‌ای از پیش طراحی شده شوهرش را به قتل رسانده و از او به اتهام قتل شکایت دارم.»

ارتباط پنهانی

با شکایت زن میانسال، پرونده به دستور قاضی محمد مهدی براعه، بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران برای بررسی در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی پرونده بالینی مرد فوت شده نشان داد روز حادثه همسرش وی را به بیمارستان منتقل و ادعا کرده که او مشروب خورده و حالش بد شده است. همچنین مشخص شد وی زمانی

پس از ادعای دو متهم، مأموران دست به تحقیقات تخصصی زدند و مدارکی را در ارتباط با دست داشتن دو متهم در قتل مرد جوان به دست آوردند. با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران دوباره از پیمان تحقیق کردند و او چند روز قبل به ناچار در بازجویی‌ها به قتل پیمان گفت: «شپهن می‌گفت از رفتارهای شوهرش خسته شده و تصمیم دارد او را به قتل برساند. او از من خواست برایش مقداری قرص و دارو فراهم کنم تا با آن شوهرش را مسموم کند و من هم مقداری قرص و دارو از بازار خریدم و در اختیار شپهن قرار دادم تا اینکه به من خبر داد شوهرش فوت کرده است.»

وی ادامه داد: «چند ماه قبل شپهن را به عنوان مسافر سووار خودرویم کردم. او می‌گفت آرایشگر است و شوهر ندارد، به همین دلیل با حرف‌هایش اعتماد کردم و با هم آشنا شدیم. ما با هم ارتباط داشتیم تا جایی که به هم علاقه پیدا کردیم، اما مدتی بعد فهمیدم او شوهر دارد. شپهن می‌گفت تصمیم دارد از شوهرش جدا شود و با من ازدواج کند. او همیشه از شوهرش بدگویی می‌کرد و می‌گفت او مشروب می‌خورد و کتکشی می‌زند. شپهن می‌گفت به زودی از شوهرش جدا می‌شود، اما بعد از مدتی ادعا کرد شوهرش او را طلاق نمی‌دهد. او می‌گفت از دست رفتارهای شوهرش خسته شده و می‌خواهد او را به قتل برساند. سرانجام به سراغ من آمد و گفت تصمیمش را گرفته و راهی جز از بین بردن شوهرش برای او باقی نمانده است. شپهن از من خواست برایش قرص و دارو بخرم تا پیمان را مسموم کند و به این شیوه او را به قتل برساند. من فریب او را خوردم و چند روز قبل از حادثه، ۲۰ عدد قرص خاص برای او خریدم و تحویلش دادم. چند روز بعد هم با من تماس گرفت و گفت



شوهرش بر اثر مسمومیت در بیمارستان فوت کرده است. سپس از من خواست مدتی ارتباطم را با او قطع کنم تا آنها از اسباب بیهوشی و کسبی به ما مشکوک نشوند تا بتوانیم دوباره با هم ارتباط برقرار کنیم. چند ماهی گذشت و ما دوباره با هم ارتباط برقرار کردیم و فکر می‌کردیم مأموران پلیس را فریب داده‌ایم، اما وقتی دستگیر شدیم، فهمیدم دستم رو شده و الان هم شپیمان هستم.

با اعتراف متهم، تحقیقات برای روشن شدن زوایای پنهان حادثه وارد مرحله تازه‌ای شد و شپهن بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت، اما او همچنان قتل شوهرش را انکار می‌کند و مدعی است پیمان دروغ می‌گوید. تحقیقات درباره این حادثه تا برملا شدن زوایای پنهان آن ادامه دارد.

مفقودی

برگ سبز، برگ کمیای خودرو سواری زانتیا تیپ SX مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک (ایران ۵۵ - ۲۷۵ ۵۲) به شماره موتور ۷۴۵۶۸۶ و شماره شاسی S1۵۱۲۲۸۷۱۶۵۴۶۹ متعلق به محمد رضا شفیعی پور مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

الف ل

مفقودی

برگ سبز و برگ کمیای خودرو سواری مزدا N۳ مدل ۱۳۹۰ رنگ سفید شماره پلاک (ایران ۶۸ و ۹۳۷) به شماره موتور LF۱۱۱۰۹۰۴۴ و شماره شاسی NAGESXACC۲۱CF۶۰۲۵ متعلق به مهرداد سلیمی کلی شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

البرز

به جوان دوباره نگاه کن

Javanonline.ir

